

قبله عراق از دیدگاه مقدس اردبیلی

علی زمانی قمشه‌ای

مقدس اردبیلی احمد بن محمد (م ۹۳۳ هـ) که هاله‌ای از قداست، معنویت و نور سرتاسر خرمن وجودش را احاطه کرده و همه دین باوران را وامدار خویش ساخته، از برجسته‌ترین شخصیت‌های فرهیخته اسلام و جهان انسانیت است. خورشید تابناک و فروزنده وجودش در فلک پارسایی و تحقیق به اوج شکوه‌مندی رسیده و شعاع پر فروغش عالم فقه، اخلاق و عرفان زلال را پرتو افکن است.

مقام او به حدی والا است که علامه مجلسی (ره) او را با واژه‌های ورع، تقوی، زهد و فضل قرین ساخته و همسان او را در میان پیشینیان و متأخران سراغ ندارد. او به ملاقات حضرت ولی الله اعظم نایل آمده، قفله‌های روضه مقدسه علوی (ع) بر او گشوده شده و با امام (ع) تکلم داشته است. در روضات الجنات نیز، اخلاق نیکوی او را مانند پیامبر اسلام (ص) شجاعت او مثل علی (ع) وجود و بخشش او را چون حاتم دوران قلمداد کرده است. افزون‌تر از همه، صاحب تاریخ اردبیل طراز وجود با عظمت او را «اسوه» خاطر نشان ساخته است.^(۱) با این وجود دیگر نیازی نیست ما از ساختار با سعادت و خجسته زندگی او سخنی به میان بیاوریم. از این رو خامه را در این سو در هم می‌پیچیم و از دیگر سوی رخت را به ساحل دریای ژرف فقاقت او می‌افکنیم، باشد که از این دریای شیرین و خوشگوار با جرعه‌ای کامیاب گردیم.

■ نگاهی به دو کتاب مقدس اردبیلی (ره)

انداخته و پس از مناقشه در سند و متن فرموده است:

«و اما امر قبله بنا بر کمی دلیل و آنچه من به دست آورده‌ام - با توجه به اهتمام شارع به بیان احکام و حتی مستحبات - جداً وسعت دارد. به گونه‌ای که با ادنی توجه مناسب به بیت الله الحرام کفایت می‌کند.

اما دلیل آن کم است بدین جهت که آیه در غایت اجمال است. زیرا چه کسی می‌داند که جهت مسجد الحرام کجاست؟ بر فرض کسی در مدینه بدانند سمت قبله را، اما حال همه آفاق چگونه به دست می‌آید؟»

مولی احمد اردبیلی (ره) کتابی با عنوان «زبدة البیان فی احکام القرآن» پیرامون تفسیر آیات الاحکام به نگارش آورده، او این کتاب را از وضوء و تیمم آغاز و به کتاب قضا و شهادت پایان بخشیده است. وی کوشیده احکام فقه شیعه را از آیات قرآن استنباط کند و احیاناً به نقل و نقد اقوال فقها پرداخته است. او همچنین کتابی به عنوان «مجمع الفایده والبرهان» در شرح کتاب «ارشاد الازهان» تألیف علامه حلی، حسن بن یوسف (ره) (۶۴۸-۷۲۶هـ) نگاشته که ما از میان این دو کتاب، مسأله قبله شناسی در ناحیه عراق را در دو بخش مورد پژوهش قرار خواهیم داد.

■ بخش اول

آیات قبله

علامه حلی (ره) در متن می‌فرماید: «وعلامة العراق و من والا هم جعل الفجر علی المنكب الایسر والمغرب علی الایمن والجُدی بحذاء المنكب الایمن»:

اردبیلی می‌گوید: حال این علامات معلوم نیست و میان آنها تدافع است. وی سپس دو حدیث در این زمینه نقل کرده: یکی از تهذیب شیخ طوسی (ره) از طاطری از جعفر بن سماعه از امام باقر یا امام صادق (ع) قال: «سألته عن القبلة؟ فقال ضع الجُدی فی ففک وصل.»^(۲) یعنی از امام از قبله پرسیدم. فرمود: ستاره جُدی را در پشت سرت قرار ده و نماز بگذار. و حدیث دیگری از مرحوم صدوق از کتاب شریف من لا یحضره الفقیه بدون سند که مردی از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: «أُسی اکوؤ فی السفر ولا اهتدی الی القبلة باللیل، فقال أتعرفُ الکوکب الذی یقال له جدی؟ قلت نعم، قال: إجمعه علی یمینک و اذا کنت فی طریق الحَجج فاجعله بین کتفیک»^(۳) من در سفرم و در شب قبله را نمی‌دانم، امام (ع) در پاسخ فرمود:

اردبیلی قدس سره نخست آیات قرآن در باره قبله را به قلم آورده که از آن جمله است آیه: «قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضاها، فویل وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کتتم فوئوا و جوهکم شطره و ان الذین اوتوا الکتاب لیعلمون انه الحق من ربهم و ما الله بغافل عما یعملون» (بقره/۱۴۴) یعنی: ما توجه تو را بر آسمان به انتظار وحی و تغییر قبله بنگریم، و البته روی تو به قبله‌ای که بدان خشنود شوی بگردانیم. پس روی کن به طرف مسجد الحرام، و شما مسلمانان نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید، و گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست نه به دلخواه کسی، و خدا از کردار آنان غافل نیست.

او سپس به بیان آیه و شرح واژه‌ها پرداخته و در این اثناء کلامی را از محقق ثانی نقل و نقد کرده آنگاه نگاهی به حدیثی که در تفسیر مجمع البیان آمده

مراد از مشرق و مغرب، مشرق و مغرب اعتدال باشد (جایی که خورشید در اول فروردین و اول مهر ماه از آن جا طلوع و غروب می‌کند) در این صورت با قرار دادن جُدی -بعنوان علامت دوم- محاذی شانه راست سازش ندارد؛ یعنی طلوع و غروب در این فرض، مستلزم این است که جُدی میان دو کتف قرار گیرد که در نتیجه، نماز به جانب جنوب واقع شده و تقریباً بیش از یک هزار و هفتصد و شصت کیلومتر (۱۷۶۰) از قبله انحراف دارد.

و اگر مراد مشرق و مغرب عُرفی باشد، لازم می‌آید قبله، هر روز تغییر کند. زیرا سعه و گسترش مشرق و مغرب در یک سال، بیش از چهل و شش درجه (۴۶) است. پس این دو علامت بر جهت قبله عراق ناهماهنگ‌اند.

ب) اما آنچه از ناحیه سند خبر و واقفی بودن راویان را سبب ضعف و اشکال خبر دانست، این اشکال بر اساس مبانی اصولی ایشان بوده است که می‌فرماید: راوی خبر باید امامی، موثق و عادل باشد. لیکن این مبنا در این زمان مورد خدشه است. زیرا فقهای این عصر برآنند که راوی باید راستگو باشد، فراموشکار نباشد و حدیث را دقیقاً ضبط کرده باشد که در این صورت به حدیث عمل می‌شود، گرچه خود راوی، فاسد العقیده باشد. یعنی ملاک عمل وثاقت مخبری نیست، بلکه وثاقت خبری است. بنابراین از ناحیه واقفی بودن، ضرری به حدیث وارد نمی‌شود. گرچه از ناحیه متن دارای اجمال است، ولی دلیل بر عدم اجتهاد در تحصیل قبله هم نمی‌گردد.

ج) فرمود: اخبار صحیح‌ه‌ای میان مغرب و مشرق را قبله معرفی کرده و همچنین آیه (بقره/۱۴۴ و ۱۵۰) ظهور در وسعت دارد.

باید گفت: این ظهورات و اطلاقات همه بدوی

آیا ستاره‌ای که به او جُدی گفته می‌شود را می‌شناسی؟ مرد گفت: بلی، فرمود: آن را برطرف راست قرار ده، و اگر در راه حج باشی میان دو کتف قرارش ده.

مرحوم مقدس هر دو حدیث را از ناحیه سند و متن مردود دانسته و از ناحیه سند گفته است: طاطری در حدیث ثقة است، اما واقفی است. عناد او در مذهب خویش و تعصب او نسبت به امامی مذهبان سخت است. به علاوه جعفر بن سماعه نیز واقفی است. حدیث دوم نیز از ناحیه سند مجهول است، گرچه صدوق (ره) نقل کرده است. وی سرانجام چنین نتیجه گرفته است که از خداوند حکیم عالم بعید است، چنین امر سنگینی را با این ادله تکلیف کند.

اما از ناحیه دلالت، خدشه در این است که معلوم نیست که در کدام شهر و در کدام وقت است؟ و با توجه به وسعتی که جانب راست و پشت وجود دارد، دلیل آن است که قبله وسعت دارد. افزون بر این، اخبار صحیح‌ه‌ای دلالت دارند که میان مشرق و مغرب قبله است. و آیه (یعنی آیه: و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطر المسجد الحرام. «بقره/۱۵۰») هم در گسترش جهت قبله ظهور دارد. او سپس احادیثی را که دلالت دارند نماز نباید به جهت غیر قبله واقع شود، و نباید انسان از قبله منحرف گردد، حمل بر استحباب کرده «محمولة علی الاستحباب عن القبلة المعتربة عندهم...»، و یا مربوط دانسته به کسی که به قبله آگاه است؛ گرچه این آگاهی را از راه علم هیأت با مهارت لازم کسب کرده باشد.

■ بررسی سخن

الف) آنچه فرمود: میان این علامات تدافع است، صحیح است و اشکالی بر او وارد نیست. زیرا اگر

عليها موجوداً حتى تستوى الجهات كلها
فله حينئذ ان يُصلى باجتهاده حيث احب
واختار حتى يكون على يقين من الدلالات
المنصوبة والعلامات المثبوتة فان مال عن هذا
التوجه مع ما ذكرناه حتى يجعل الشرق
غرباً والغرب شرقاً زال معنى اجتهاده وفسد
اعتقاده...» (وسائل ۴/۳۰۸)

يعنى اگر مسجد الحرام مشاهده مى شود،
بايد روى خودت را به جانب آن بگردانى و اگر
پيدانىست، بايد به دليل و نشانه ها روى بياورى.
اگر قبله را شناختى، واجب است با استقبال به
آن، توجه و روى خود را به جانب او كنى، و
اگر دليلى بر آن نيافتى و همه جهات و جوانب
يكسان شد، بايد كوشيد و هر طرف را كه دوست
داشت اختيار كرد. آنگاه بايد نماز خود را بر
اساس يقين پيدا شده از دليل هاى نصب شده
و علامات ثبت شده به جاى آورد. پس اگر به اين
مقدار كه گفتيم توجه نكرد به گونه اى كه مشرق
را در غرب و مغرب را در شرق خود قرار داد،
معناى كوشش و اجتهادش از بين رفته و اعتقادش
تباه شده است.

■ بخش دوم

در اين بخش قبله عراق از ديدگاه علم هيات بررسى
مى شود. در آغاز نظر مقدس اردبيلى (قدس سره) را از
نظر خواهيم گذرانند و در پى آن به كاوش خواهيم
پرداخت.

مقدس اردبيلى نخست با زبان پر گله لب به
شكايت مى گشايد كه اهل اين علم (هيات) در اين
عصر بسيار كم است، و من شخص آگاه به اين فن را
تنها منحصر در دايمى خودم مى بينم. يعنى كسى كه
روزگار همسان او را بعد از خواجه نصيرالدين از
حكماى متدين مسلمان - در اين فن نياورده است.

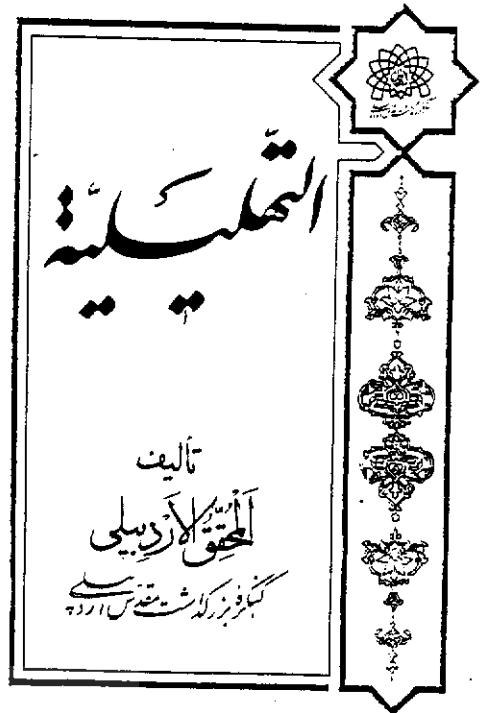
است و قابل عمل نيست. زيرا امر به لزوم فحص،
اجتهاد و كوشش در تحصيل قبله، همچنين دليل
علمى كه راهگشاى سمت قبله باشد، ظهور اطلاقى
در وسعت را از بين خواهد برد. چنانكه ذيلاً چند
حديث در اين زمينه ذكر خواهيم كرد.

(د) اما آنچه فرمود: رواياتى كه وارد شده در عدم
انجام نماز به غير قبله و در عدم ميل و انحراف از
قبله، به استحباب در قبله معتبر نزد آنان حمل
مى شود، يعنى مستحب است نماز به غير قبله معتبر
خوانده نشود و همچنين مستحب است از قبله
معتبر، منحرف نگردند.

مناقشه اين سخن آن است كه اگر قبله معتبر
نزد مردم وجود داشته باشد كه اصلاً جايز نيست
به قبله غير معتبر نماز بخوانند؛ بلكه معقول
نيست. پس چگونه مى توان گفت: مستحب است
انسان از قبله معتبر روى نگرداند و از آن
مايل و منحرف نشود؟! پس حمل به استحباب
وجه صحيحى ندارد. به ويژه مى بينيم در مواردى
كه قبله مشخص نيست راوى پرسيده است: «عن
الصلوة بالليل والنهار اذا لم ير الشمس ولا القمر
ولا النجوم. قال: اجتهد رأيك وتعتمد القبلة جهداً»
و در حديث ديگر در پاسخ همين سؤال فرمود:
«تجهّد رأيك وتعتمد القبلة بجهدك»^(۴) يعنى
كوشش كن تا قبله را به دست آورى و با جد و
كوشش بر آن اعتماد كن.

افزون بر آن، تأييد بر عدم صحت حمل
به استحباب و در نتيجه عدم وسعت سمت قبله،
اين حديث است: «عن الصادق عن آبائه (عليهم
السلام) فى قوله تعالى: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بقره/۱۴۴) قال معنى شطره،
نحوه ان كان مرثياً، وبالذلائل والاعلام ان
كان محجوباً، فلو علمت القبلة لوجب استقبالها
والتوالتى والتوجه اليها، ولو لم يكن الدليل

و انخفاض نیست. زیرا علامت اهل عراق «قطب» است و جُدی جز در حالت ارتفاع و انخفاض به محاذات قطب نیست. اما اگر جدی در این حالت نباشد، اعتبار، تنها به قطب است. قطب عبارت است از ستاره‌ای پنهان و مخفی در میان ستاره‌هایی به صورت و شکل ماهی است. این ستاره (پنهان و نامرئی) را جز انسان تیز بین نمی‌تواند ببیند. این (قطب) همه وقت علامت (قبله) است. مانند ستاره جُدی در حال ارتفاع و انخفاض. زیرا قطب از مکان خود تغییر نمی‌کند، مگر خیلی کم که آن هم قابل حس نیست؛ پس تأثیری در جهت قبله نمی‌گذارد و گردش آن هم به دور قطب شمال بسیار لطیف و کم است. (این بود ملخص سخن شهید اول در روض الجنان).



خداوند او را به مرضاتش موفق دارد و به وجود او بر ما منت نهد و از علمش به ما افاضه فرماید. (۵) و از کمی توفیق آن است که این عبد پس از ۲۵ سال مفارقت و خواهش شبانه روزی از خداوند جهت وصول به محضرش، دوباره در کربلا و مشهد حضرت ابی‌عبدالله الحسین به خدمتش رسیدم. ولی در خلال این مدت بیمار بودم و در برخی ایام غافل. شکر نعمت وصل او را نکردم، تا اینکه از من مفارقت فرمود. از کرم خداوند خواستارم مرا مؤاخذه نفرماید، بلکه بر من منت نهد تا دیگر بار به صحبت او مشرف شوم و به مقدار ضرورت از این علم (هیأت) و سایر علوم حقیقی ضروری از جنابش برگیرم.

سپس می‌فرماید: آنچه از خدمت او (دایی الیاس «ره») استفاده کردم، همان مقداری است که در کلام شارح (یعنی شهید اول در روض الجنان) و همچنین مشهور میان فقهاء است و آن این است که اعتبار به جُدی، جز در حال ارتفاع

■ اشکالات مقدس اردبیلی به شهید اول

مقدس اردبیلی -رضوان الله علیه- اشکالات فراوانی به سخن شهید اول وارد کرده که خلاصه آنها چنین است:

- (۱) در سخن شهید اول غلط آشکار وجود دارد. زیرا جُدی به قطب شمال نزدیک‌تر است از آن ستاره مخفی که در میان صورت ماهی است.
- (۲) جُدی در حال استقامت بر قطب شمالی نیست، بلکه اوضاع متعدد دارد. بلکه جُدی بر قطب و خط نصف النهار در حالی قرار می‌گیرد که به جانب غرب میل زیادی داشته باشد.
- (۳) تأیید سخن مذکور به این است که اهل هیأت، جُدی را در حال استقامت و عکس آن محاذی منکب قرار می‌دهند. پس لازم می‌آید که قبله اهل عراق خط نصف النهار باشد، در حالی که اهل هیأت تصریح دارند که قبله عراق از خط نصف النهار مایل به غرب است. او سلمه الله (دایی

می آید که او نیز قطب را همان ستاره نامرئی که واقع میان جدی و فرقدین است، قرار داده است و من در حاشیه علامه بر «محرر» خود دیده‌ام. اما وقتی از دایی پرسیدم، فرمود: قطب نزدیک جدی است، چنانکه اکثر اصحاب هم این ستاره کوچک را قطب نام نگذاشته‌اند. تنها در شرح ارشاد تألیف شیخ زین‌الدین (شهید اول) دیده‌ام که چنین مطلبی را نوشته است. (زیده، ص ۶۷)

شایان ذکر است که بزرگان و استوانه‌هایی که در این نوشته نامشان به میان می‌آید، از قبیل علامه حلّی، شهید اول، مولی‌الیاس اردبیلی، مقدس اردبیلی - رضوان الله تعالی علیه - و دیگران، همه از پیش کسوتان و فقهای بلند آوازه و احیاناً حکیمان چیره دست و سالکان الی الله می‌باشند. در عظمت، بزرگی و بزرگواری آنان هیچ شکمی نیست. اما آشکار ساختن سخن حق، از هر چیزی برتر، بهتر و مقدم‌تر است. از این رو ما نخست به سخن شهید اول می‌پردازیم و پس از بررسی تحقیق و توضیح آن، خواهیم دانست که اشکالات مرحوم اردبیلی به شهید اول همه بی‌اساس است.

سخن شهید پیرامون قطب

شهید اول (ره) در روض الجنان، ذیل متن علامه حلّی (ره): «وعلامه اهل العراق ومن الایهم جعل الفجر علی المنکب الأیسر والمغرب علی الایمن والجدی بحذاء المنکب الایمن» می‌فرماید: جُدی ستاره روشنی است، که در رأس تعدادی از ستاره (به شکل سمکه = ماهی) قرار گرفته، و فرقدان در دُم آن صورت قرار دارند و میان جُدی و فرقدان، سه ستاره وجود دارد که همه اینها به دور قطب، هر روز و شب، یک دوره کامل گردش دارند. چون جُدی نیز از جای خود - آنسان که دانستی - به

الیاس (ره) این مطلب را در کوفه و نجف استخراج کرد و فرمود: قبله ۱۲° درجه از خط نصف النهار تقریباً مایل به غرب است.

(۴) چیزی که ما بدان دست یافتیم، آن است که جُدی به قطب نزدیک‌تر است از آن ستاره مخفی که میان جُدی و فرقدین در صورت ماهی قرار دارد. آگاهی ما بدین گونه بود که یک چوب نی را وضع کردیم و ستاره جُدی را در اول شب با او رصد کرده و دیدیم. سپس محاذی آن، علامت دیگری جهت آن ستاره پنهان، به نی گذاشتیم. بعد از مدت زیادی که از نصف شب گذشت حرکت جُدی را بسیار کم یافتیم. اما آن ستاره را دیدیم، از علامتی که در اول شب بر نی گذاشته بودیم، به مقدار زیادی خارج شده بود که بیش از ثلث دایره بود. آنگاه نزدیک صبح نگاه کردیم در حالی که به نصف دایره بزرگی رسیده بود. دیگر او را (در اثر روشن شدن هوا) اصلاً ندیدیم. (مجمع الفایده ۷۳/۲، زیده، ص ۶۷)

(۵) از آنجا که علم هیأت، دقیق است و جز با مشقت فراوان در مدتی طولانی به دست نمی‌آید، از شرع و قوانین شرع و لطف او بعید است که این تکلیف را به علم هیأت واگذار کرده باشد. تفویض به اهل این علم هم، بعید است. زیرا با توجه به عدم عدالت آنان، به ویژه که گفته‌های آنان منتهی می‌شود به حکمایی که اسلامشان را نمی‌دانیم، چه رسد به عدالتشان، تقلید آنان از قوانین شرع نیست. بر فرض که اگر عالم عادل هم پیدا شود بسیار نادر است. بر فرض اگر عالم عادل و آگاه به این فن هم یافت شود، باز علم به بیت الله، مکه و حرم پیدا نخواهد شد.

■ اشکال مقدس اردبیلی بر علامه حلّی

اردبیلی می‌فرماید: از کلام علامه (ره) چنین بر

ستارهٔ خارج، بر استقامت فرقدین است و در جمله صورت نیست.»^(۷)

اما عبدالرحمان صوفی (م ۳۷۶هـ) - که قبل از شهردان می‌زیسته و ظاهراً شهردان سخن مذکور را از عبدالرحمان گرفته است - توضیح بیشتری داده و گفته است: «ستاره‌های دب اصغر نزدیکترین کواکب به قطب شمالی است... ستارهٔ روشنی که در آخر دم [خرس کوچک] قرار دارد «جُدی» نام دارد، و این همان ستاره‌ای است که به وسیلهٔ آن قبله را می‌جویند و سه ستاره‌ای که در دم این مجموعه است، با ستاره چهارم و ششم به شکل خط قوس دار است، و ستارهٔ دیگری خارج از صورت قرار دارد که سبب اتصال به کوبی می‌شود که در آخر دم خرس کوچک قرار گرفته است. به وسیلهٔ کواکب نامرئی پنهانی که در این مسیر قرار دارند، باز یک خط قوس دار دیگری، مانند خط اول و در برابر او تشکیل می‌دهند و این دو قوس به سطحی احاطه دارند که شبیه به ماهی است و نام آن تیر (فأس) گذاشته شده، مانند تیر سنگ آسیا که قطب آسیا در میان آن قرار گرفته و قطب معدّل النهار بر خمیدگی قوس دوم نزدیکیترین کواکب این خط [دوم] به کواکب جدی قرار گرفته است.»^(۸)

■ قطب در هیأت جدید

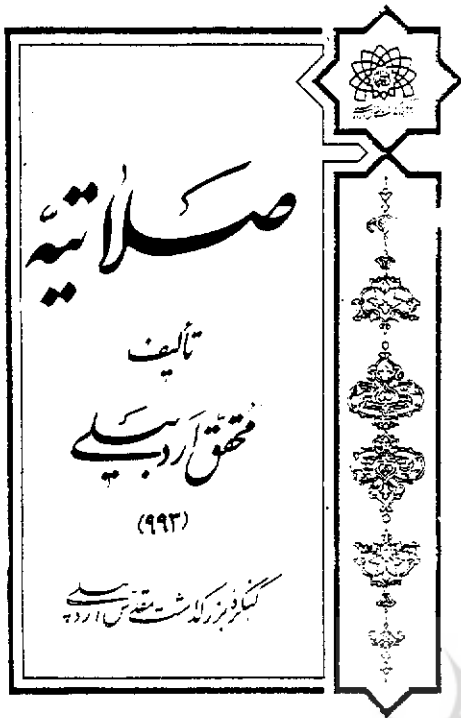
جُدی (ستارهٔ قطبی) در نزدیکی قطب عالم قرار دارد، و محور فرضی زمین یا قطب عالم را نشان می‌دهد. فاصلهٔ کنونی ستارهٔ قطبی از قطب عالم در حدود $9^{\circ} = \left(\frac{1}{11}\right)$ درجه است و در سال ۲۱۰۰ میلادی فاصلهٔ جدی از قطب عالم به حدود $5\% \left(\frac{1}{20}\right) = \left(\frac{1}{4}\right)$ درجه خواهد رسید، و این کمترین فاصله بین ستاره جدی و قطب عالم خواهد بود. پس از نزدیک به ۵۳۰۰ سال، قطب عالم ستاره «الدارمین»^(۹)

مشرق، مغرب، ارتفاع و انحنای منتقل می‌شود، همه وقت علامت [قبله] نیست؛ بلکه وقتی علامت است که در غایت ارتفاع یا انحنای باشد. [نه در مواضع دیگر]، پس اعتبار به قطب است و آن، ستاره‌ای است مخفی که در میان مجموعه ستارگان ماهی است که هرگز دیده نمی‌شود، مگر با چشم بسیار تیزبین. این ستارهٔ پنهان همه وقت علامت است - مانند ستاره جُدی در حالت استقامت [ارتفاع] - زیرا او از جای خود تغییر نمی‌کند جز خیلی کم که محسوس نیست. پس سبب تغییر جهت [قبله] نمی‌شود و حرکت دورانی او نیز بسیار اندک است. اما جُدی در حالت استقامت بر دایره نصف النهار است و به دو قطب عالم می‌گذرد، و دایرهٔ افق را به دو نقطه قطع می‌کند، که آن دو نقطه، قطب شمال و جنوب است.

پس وقتی قطب، مسامت عضوی از اعضای نمازگزار باشد (مانند پشت شانه راست در مقام ما) جُدی نیز در آن حالت [ارتفاع یا انحنای] مسامت با نمازگزار است، بر خلاف وقتی که از این حالت منحرف گردد. (روض الجنان ۱/۱۹۶).^(۶)

سخنی پیرامون شکل ماهی

شهردان (م ۴۶۶هـ) در روضة المنجمین در تشریح ستاره‌های دب اصغر [خرس کوچک - ملاقه کوچک = بنات النعش کوچک] گفته است: «دب اصغر نزدیک‌تر صورتی است کی به قطب پیوسته باشد... آنی را [ستاره‌ای که] روشن‌تر است، بر اول دنبال [دنبال دب که به منزله دم خرس کوچک است] «جُدی» است و آن نزدیک‌تر ستاره باشد به قطب... و ارج صورت قوسی پیدا آید مانند سطر اول برو چند ستارهٔ خرد و این هر دو قوس محیط به سطحی مانند خلقت ماهی آن را فاس (تیر) خوانند کی [= که] قطب در میانش باشد، همچون تیر آسیا و



علامه حسن زاده (مد ظله العالی) استاد عالی مقام و ارجمند ما در کتاب گران سنگ «معرفة الوقت والقبلة» به تفصیل در این زمینه سخن رانده و تحقیقی عمیق از محقق طوسی، مولی عبدالعلی بیرجندی، سردار کابلی -رحمهم الله- مطرح ساخته. به ویژه، سخنان فانددیک برگرفته شده از دائرة المعارف انگلیسی بریتانیا در این زمینه، درخور توجه است، که ما جهت اختصار از نقل آنها خودداری می‌کنیم. (معرفة الوقت والقبلة، ص ۲۲۴ و بعد).^(۱۰)

پاسخ به اردبیلی (قدس سره)

اگر در سخن شهید اول (ره) دقت کنیم چنین خواهیم داشت: میان جدی و فرقدان سه ستاره وجود دارد

خواهد بود و در دوازده هزار (۱۲۰۰۰) سال پس از این، ستاره نسر واقع یا گاو (ستاره اصلی چنگ یا لورا) قطب عالم است.

فاصله ستاره قطبی از زمین که از ستارگان دب اصغر است، ۶۵۰ سال نوری و روشنایی آن ۵۰۰۰ برابر و قطر آن یکصد برابر خورشید است.

در باره ستاره قطبی این طور هم نوشته‌اند: فاصله ۴۷۰ سال نوری ($10^{13} \times 444/62$ کیلومتر)، جرم، هشت برابر خورشید و روشنایی آن ۲۰۰۰ برابر خورشید است. این ستاره در هر ثانیه ۱۷ کیلومتر حرکت می‌کند (مقدمه روضة المنجمین، ص ۳۴).

حرکت گردنایی

علت اصلی تغییر قطب، عبارت است از حرکت گردنایی زمین (گردنا فرفره چوبین و مخروطی است که ریسمان به آن پیچند و روی زمین بیفکنند تا به چرخند. این فرفره غیر از چرخش اولی، یک حرکت دورانی ترقصی نیز به خود می‌گیرد چنانکه در شکل ذیل نشان خواهیم داد.) محور فرضی زمین که اکنون نزدیکی ستاره جدی را نشان می‌دهد، دارای حرکتی است و مداری را طی می‌کند که این مدار از ستاره جدی تا ستاره لورا (چنگ) می‌باشد. طی این دوره، از ستاره قطبی تا ستاره لورا، در حدود ۱۲ هزار سال و از ستاره لورا تا ستاره قطبی در حدود چهارده هزار (۱۴۰۰۰) سال طول می‌کشد که بر روی هم در حدود ۲۵۸۰۰ سال می‌شود. این حرکت نخستین بار توسط هیپارک (متولد حدود ۱۹۰ سال قبل از میلاد در سرزمین ترکیه) کشف شد. در زمان او اعتدال بهاری در حمل بوده [برابر اول فروردین] و از زمان او تاکنون، نقطه اعتدال بهاری با یک سیر قهقراپی یک ساعت و ۴۵ دقیقه تغییر مکان داده است. (مقدمه روضة المنجمین، ص بیست و هفت).

پیدا خواهد شد.

می‌دانیم محیط کره زمین روی خط استوا ۴۰۰۷۳ کیلومتر است و با توجه به اینکه همه دایره‌های نصف النهار باید از قطب شمال و جنوب بگذرند وقتی به قطب می‌رسند، زاویه‌های آنها به صفر نزدیک می‌شود و هرچه به جانب خط استوا نزدیک گردند و تر زاویه‌های دوایر عظیمه نیم روزی، بزرگتر خواهد گردید. با توجه به اینکه از قطب تا خط استوا ۹۰ درجه است، پس هر چه از ۹۰ درجه کمتر باشد، محیط کمتر می‌شود (یعنی هر چه عرض زیادتر گردد فاصله محیط مدارهای یومیّه کمتر می‌شود).

بر پایه سخن یاد شده، عرض مکه مکرّمه، طبق جدول سردار کابلی (ره) برگرفته از دائرة المعارف بریتانیا، طبع ۱۳ برابر است با بیست و یک درجه و بیست و پنج دقیقه (۲۵، ۲۱). و طبق جدول اسماعیل بیگ مصطفی، بیست و یک درجه و بیست و هشت دقیقه (۲۸، ۲۱) است (معرفة الوقت والقبلة، ص ۵۴۲ و ۶۲۲)

اما جغرافی دانان قدیم، عرض مکه را بیست و یک درجه و چهل دقیقه (= کام) محاسبه می‌کردند. ما در این نوشته به تقریب محاسبه می‌کنیم و آن را (۲۲) بیست و دو درجه به حساب می‌آوریم؛ یعنی وقتی از قطب به سمت خط استوا محاسبه کنیم، ۶۸ درجه می‌شود. بنابراین می‌توان با یک محاسبه ساده محیط کره زمین را در مدار بیست و دو درجه، چنین به رقم آورد:

محیط کره زمین در عرض ۲۲°:

$$90^\circ = 40073 \times \frac{40073 \times 68}{90} = 30277/377$$

$$68^\circ \times$$

سپس رقم این محیط را به سیصد و شصت درجه تقسیم می‌کنیم: $84/103 = \frac{30277/377}{360}$ پس سهم هر درجه برابر است با ۸۴/۱۰۶ کیلومتر، و می‌دانیم نصف النهار مکه نیز منطبق بر جُدی در

که همه آنها به دور قطب گردش می‌کنند. اعتبار به قطب است، و آن ستاره‌ای است مخفی در مجموعه ستارگان ماهی. این ستاره پنهان همه وقت علامت است و از جای خود تغییر نمی‌کند، مگر اندکی که قابل حس نیست. پس سبب تغییر جهت قبله نخواهد شد. اما جُدی در حال استقامت بر دایره نصف النهار است و به دو قطب عالم می‌گذرد.

سخن شهید (ره) با اصول و قواعد فن هیأت کاملاً همخوانی دارد. از این رو می‌توان به مقدس اردبیلی طبق رقم اشکالات چنین پاسخ داد:

اول) در سخن شهید (ره) هیچ غلط آشکاری وجود ندارد و قطب شمال به آن ستاره مخفی نزدیکتر است تا به جُدی. زیرا مدار آن ستاره مخفی آن قدر کم است که قابل حس نیست.

دوم) جُدی در حال استقامت حتماً بر قطب شمالی و بر خط نصف النهار است و اگر به جانب غرب مایل باشد، از فرض علامت بودن خارج شده است.

گفتنی است که هر شهر و نقطه‌ای که بر نیم کره شمالی فرض شود، ستاره جُدی هر شبانه روز دو بار بر خط نصف النهارش می‌گذرد: یکی در غایت ارتفاع که نیمه شب است، و دیگر در غایت انقباض، که نیم روز (ظهر شرعی) است.

سوم) اگر اهل هیأت، جُدی را در حال استقامت و عکس، محاذی منکب قرار دهند، هرگز لازم نمی‌آید که قبله عراق خط نصف النهار باشد. بلکه در صورتی لازم می‌شود، که ستاره جُدی را میان دو کتف قرار دهند نه منکب.

اما آنکه فرمود: دایی الیاس انحراف قبله عراق را (کوفه و نجف اشرف) از خط نصف النهار به ۱۲ درجه مایل به غرب استخراج کرد؛ باید گفت: این استخراج دقیق نبوده است و اینک مابرسی خواهیم کرد تا ببینیم چقدر تفاوت

حال استقامت است.

حال به اواسط عراق، کوفه و نجف باز می‌گردیم و با مراجعه به جداول سردار کابلی (همان ص ۵۴۷) و به جدول ریاضیدان ماهر عبدالرزاق بگیری، (همان، ص ۶۰۳) انحراف قبله (عراق) از قطب جنوب به جانب غرب را نزدیک به 22° درجه خواهیم یافت. یعنی: $1850/266 = 84/103 \times 22$ و اما آنچه را مقدس اردبیلی (ره) نگاشته که انحراف قبله عراق (کوفه و ماوالاها) از نقطه جنوب 12° درجه است برابر است با $1009/224 = 12 \times 84/103$ و تفاوت این دو رقم برابر است با $841/042$ کیلومتر. یعنی اگر کسی با 12° درجه انحراف از جنوب به سمت غرب نماز بگذارد، نماز او برابر نقطه‌ای خوانده شده که تقریباً 841 کیلومتر تا مکه معظمه فاصله دارد. و یا:

$$22 - 12 = 10 \times 84/103 = 841/042$$

چهارم) مقدس اردبیلی (ره) ستاره‌ای را قطب پنداشته و رصد کرده که عبارت از ستاره کوچکی میان جدی و فرقدان است «النجم الصغیر الذی بین [جدی] و بین الفرقدین قطباً لکونه عنده کما یظهر من کلام العلامة ایضاً علی ما رأیت فی حاشیته علی المحرر» (زیده / ۶۷). این، در اثر اشتباهی است که برای او رخ نموده است. او ستاره شماره ۳ از مجموعه دب اصغر را رصد کرده و یا یکی دیگر از این مجموعه را و چون دیده است، او در گردش است و دایره نسبتاً بزرگی را سیر کرد، از این رو به شهید ثانی و به علامه حلی -رحمة الله علیهما- اشکال کرد. اگر دقتی در سخنان این دو بزرگوار می‌فرمود، این اشتباه رخ نمی‌داد، چنانکه ما قبلاً توضیح دادیم.

پنجم) فرمود علم هیأت دقیق و با مشقت است. پس بعید است شارع احکامش را به این علم واگذار

کرده باشد. وانگهی اهل این علم جز تعداد نادری، عدالت ندارند و از حکیمان غیر مسلمان هم نمی‌شود در اینجا تقلید کرد. باید گفت: مشقت داشتن و دقیق بودن که دلیل استبعاد نمی‌شود! وانگهی اگر ما سمت و سو و جهت قبله را از حکیم غیر مسلمان فراگیریم و یا از نوشته او استفاده کنیم و یا حتی اگر از او تقلید کنیم (تقلید در موضوعات) چه ضرری دارد؟ اگر کافری که آگاه به طول و عرض جغرافیایی زمینی و فضایی باشد و به ما جهت قبله را نشان داد، چون کافر است ما باید به جانب دیگری نماز بخوانیم؟ پس به نظر می‌آید، این استبعاد از ایشان بعید است.

پاسخ اشکال مقدس اردبیلی به علامه حلی

از سبک و سیاق سخن مقدس اردبیلی (ره) چنین برمی‌آید که او، سخن علامه را همچون سخن شهید اول (ره) یافته که: قطب عالم عبارت است از ستاره‌ای کم سو واقع میان جدی و فرقدان. ولی چنانکه اشاره شد، این یک اشتباه است زیرا آنان قطب عالم را در خمیدگی (حدبه) قوس دوم، نزدیک به یک ستاره نامریی با حرکتی بسیار ناچیز و نزدیک به ستاره جدی معرفی کردند و چنانکه اشاره شد، عبدالرحمان صوفی نیز قبلاً در همانجا معرفی کرده بود. وانگهی حرکت گردنایی هم آن قدر کم است که نمی‌توان گفت: قطب عالم از زمان علامه و شهید تا زمان مقدس اردبیلی مسافت چند درجه‌ای را طی کرده و به آن ستاره‌ای که اردبیلی (ره) به عنوان قطب رصد کرده، رسیده است. در پایان علو درجات همه آن بزرگواران را از خداوند متعال خواستارم. والحمد لله رب العالمین.

● یادداشتها

- ۱- مقدس اردبیلی، مقدمه زیده البیان فی احکام القرآن، طبع مکتبه مرتضویه، تهران، ۱۳۸۶ ه؛ مقدس اردبیلی، مقدمه مجمع الفایده والبرهان، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ ه.
- ۲- فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی، تاریخ اردبیل، ج ۱، از ص ۴۸ تا ۷۲ مطبعة الآداب نجف اشرف، ۱۳۸۸ ه، ۱۳۴۸ ش.
- ۳- محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، باب ۵ از ابواب قبله حدیث ۱ و ۲، ط ۱، مهر قم، تحقیق مؤسسه آل البیت قم، ۱۴۰۹ ه.
- ۴- همان مأخذ.
- ۵- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۸.
- ۶- مراد اردبیلی (ره) از دایمی خودش، علامه فلکی، ریاضی و وارد در فنون نظری و علوم عقلی، مولی الیاس اردبیلی (ره) است. شیخ الیاس بن ابیه در همه علوم به ویژه علوم فلک و هندسه مرجع بوده و در سایر فنون ریاضیات سرآمد و یگانه عصر خویش به شمار می رفته است. این امر سبب شد که همایون شاه تیموری از او دعوت کرده و او دعوت را پذیرفته و عراق را به سمت کابل ترک کرده است. همایون شاه مقدم او را غنیمت شمرده و با خورسندی تمام هدایای زیاد و جوایزی از جمله بخشی از اراضی حاصل خیز از نواحی «موهان» از شهرهای «اوده» که شامل قریه های متعدد بوده به او واگذار کرده و او را از مقربان خویش گردانده است.
- ۷- سلطان تیموری کتاب «درة التاج» تألیف قطب الدین رازی را نزد او قرائت کرده است. اما برخی دیگر از حاضران به علم، مقام و منزلت او حسد ورزیده اند، که از جمله آنان: اویس الکوالبیری بوده است. مولی الیاس دیگر تاب نیاورده و موهان را به گجرات و سپس به مکه و عراق ترک گفته و سرانجام به اردبیل عزیمت کرده و تا آخر عمر در آنجا اقامت گزیده است. رجوع شود به الذریعه مرحوم آقا بزرگ تهرانی و مجمع الفایده والبرهان، ج ۲، ذیل ص ۷۲ و بعد، و به تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۱۲۴ و بعد.
- ۸- زین الدین عاملی (شهید ثانی) روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، نشر مؤسسه آل البیت.
- ۹- شهرمدان بن ابی الخیر، روضة المنجمین، چاپ عکسی مرکز انتشارات نسخ خطی، تهران ۱۴۰۹ ه / ۱۳۶۸ ش.
- ۱۰- عبدالرحمان بن عمر صوفی، صور الکواکب، ط ۱، مطبعه مجلس دایرة المعارف، حیدرآباد هند ۱۳۷۳ ه / ۱۹۵۴ م.
- ۱۱- الدارمین ستاره اصلی صورت قیفاوس (کیکاس) و در میان کهکشان است، فاصله اش از زمین ۴۹ سال نوری، و نور آن ۱۷ برابر خورشید است.
- ۱۲- حسن حسن زاده آملی، دروس معرفة الوقت والقبلة، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۶ ه / ۱۳۶۴ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

